

ما نماینده اکثریت مردمیم

گفتگو با منصور حکمت
درباره ایران پس از انتخابات



بر عمر حکومت اسلامی افزود. حرکت ۴ سال قبل مردم هم، همانطور که در این ۴ سال بسیاری فهمیدند، نادرست بود. نمایانست در نمایش انتخاباتی حکومت شرکت کرد و حتی از سر مصالح تاکتیکی و دوره ای مهر مشروعیت روی هیج جناح و شخصیتی از این رژیم زد. دود این به چشم خود مردم میروید و مبارزه واقعی برای آزادی و رهایی را کند میکند- که کرد. میبایست در برابر کل حاکمیت بطور مستقل، توده ای و رادیکال قد علم کرد. اما بهرحال آن فرجه شبه قانونی برای چوب لای چرخ حکومت گذاشتن باعث شرکت چهار سال پیش مردم شد(البته آمار همان دوره را هم باید با تردید نگاه کرد). اینبار کاندید نظام معلوم بود. نتیجه انتخابات معلوم بود. مردم چیزی بدست نمی آوردند. در نتیجه فضای چهار سال قبل وجود نداشت.

صفحه ۲

هفتگی: مردم در "انتخابات" ۲ خرداد ۷۶ وسیعا شرکت کردند، چه فاکتورهائی در اوضاع سیاسی و نظر مردم عوض شده که اینبار چنین نشد؟
منصور حکمت: در دو کلمه، ناطق نوری. در پایان دوران رفسنجانی دورنمای یک دوره ۸-۴ ساله صدارت یک آخوند قشری دیگر و حکومت بلامنزاع جناح خشکه مقدس را جلوی مردم گذاشتند. اما دوران تمکین مردم به پایان رسیده بود و نسل جدیدی پا به میدان مبارزه سیاسی و اجتماعی گذاشته بود. نافرمانی و اعتراض شروع شده بود. مردم متوجه شدند که در لیست کاندیداهایی که از فیلتر گذشته اند یک آخوند لپ قرمزی خوش خنده وجود دارد که کاندید دستگاه نیست. ناگهان شرکت در انتخابات و نقش بر آب کردن سناریوی انتخاباتی حکومت و جلوگیری از انتخاب ناطق نوری به یک قلمرو ابراز وجود سیاسی موثر مردم تبدیل شد. بنظر من خاتمی و خاتمیسم

از شرکت بر حذر داشته بود، در نتیجه حکومت نفس شرکت مردم را شاخص مشروعیت خود اعلام کرد و در همین عدد هم تقلب کرد. واضح است که در یک کشور ۶۰ میلیونی چندین میلیون نفر حتما رای داده اند. جمعیت کشور به نسبت ۴ سال قبل ده درصد افزایش یافته است. بعلاوه ۵ تا شش میلیون ۱۵ ساله را برای بالا بردن آمار به صاحبان رای اضافه کردند، با اینحال با آمار خودشان قدر مطلق شرکت کنندگان میلیونها نفر کمتر از دوره قبل بوده است. بعلاوه ادعای اول مبنی بر شرکت وسیع مردم، که بعدا خودشان گفتند وسیع نبوده، از طرف هیچ منبع مستقلی تأیید نشد. پشت این اخبار فقط ایسنا و ایرنا بودند. معلوم نیست هجوم سی میلیون نفر در یک روز به خیابانها و حوزه های رای گیری را چگونه از انظار جهانیان مخفی کردند ای از این مشارکت حماسی بدست سی ان ان نرسید.

پیروزی در چیت ری

مصطفی صابر



کند که از صاحبان فعلی چیت ری سلب مالکیت میشود، ثالثا تا زمان واگذاری این کارخانه از طریق بورس سهام، سرپرستی آنرا بنیاد بعهده میگیرد. کارگران برای مجبور کردن بنیاد (و در واقع شورای تامین استان،

صفحه ۳

مبارزه کارگران چیت ری این هفته به نقطه تعیین کننده ای رسید. سرانجام کارگران توانستند مهندس قرمزی (رئیس سازمان صنایع و معادن بنیاد مستضعفان) را وادار کنند که اولاً پرداخت دستمزدهای معوقه کارگران را تا پایان روز سه شنبه ۲۹ خرداد (روز اعتراض کارگران) تقبل کند، ثانيا اعلام

۲ خرداد و ۱۸ خرداد دو پرده یک نمایش

صفحه ۳

۱۸ تیر روز اعتراض

سراسری است!

صفحه ۴

دستمزدهای معوقه کارگران باید فوراً پرداخت شوند

صفحه ۴

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

ما نماینده اکثریت مردمیم

هفتگی: انتخاب مجدد خاتمی چه تاثیری بر اختلاف و نزاع جناحهای حکومتی دارد؟

منصور حکمت: کل این انتخابات "وقفه ای اداری در متن روندهای سیاسی قبلی بود. اگر خاتمی کاندید نمیشد، اکنون با شرایط فوق العاده متفاوتی روبرو میبودیم. اما معلوم بود اگر خاتمی کاندید بشود، این مراسم بجا آورده میشود و همه جناحها بعد از این تشریفات سر جای خودشان بر میگردند. این انتخابات چیزی را عوض نکرد. شاید روند ایجاد یک مرکز جدید متشکل از خاتمی و لایه های فوقانی دوم خرداد همراه با "عقلا"ی جناح راست را به زبان میلیتانتیهای هردو جناح تحکیم کرده باشد. اما این روند هم قبل از انتخابات شروع شده بود. بنظر من حکومت اسلامی اکنون بطور جدی متوجه حضور یک توده ناراضی و سرنگونی طلب در صحنه سیاسی شده است و از آینده خود بیمناک است و مانورهایی را برای اجتناب از یک رویارویی زودرس با مردم در دستور دارد. عده زیادی خواه ناخواه به سمت مرکز میچرخند. بقاء حاکمیت مساله اصلی اینهاست و بنظر من عده بیشتری از سران حکومت، از جمله شاید حتی خامنه ای، دارند متقاعد میشوند که یک مرکز جدید که جلوی "افراط کاری" و بی ثبات سازی و شلوغکارهای دو طرف را بگیرد شانس بیشتری برای حفظ حکومت دارد.

هفتگی: یک هفته بعد از انتخاب خاتمی، در جریان اختلاف بین مجلس و شورای نگهبان بر سر حق تحقیق و تفحص مجلس بر صدا و سیما، خامنه ای اینبار طرف مجلس را گرفت و اجازه این حق را به مجلس دو خردادی داد. ارزیابی شما از این تصمیم خامنه ای و تاثیر آن روی اختلافات جناحها چیست؟

منصور حکمت: هنوز این اختیار را به مجلس نداده است. بلکه به مجمع تشخیص مصلحت و رفسنجانی اجازه داده است تا اگر خواستند مصوبه قبلی خود مبنی بر بی اختیاری مجلس در

امر بازرسی را تغییر بدهند. اما همین قدر هم نشان همان روندی است که گفتم. خامنه ای میداننده مقابله بدون انعطاف با بخشی از سران اصلی حکومت در جناح مخالف، نظام را بی ثبات و بحرانی میکند. بنظر من این آن نوع روشی است که نواندیشان و عقلائی راست نزدیک به خامنه ای به او توصیه میکنند. درجه بیشتری رعایت مقررات بازی. اما راست هنوز در مجموع، بخصوص از مجرای شاهرودی و قوه قضائیه، کار خودش را میکند. این ملاطفت خامنه ای، که بدون آن فاتحه کاریر اصلاح طلبانه کروی خوانده میشد، یک چرخش سیاسی عظیم نیست. بیشتر مقطعی و موضعی است.

هفتگی: علیرغم اختلاف بر سر ارزیابی از نتیجه انتخابات، این نتیجه موجب مطرح شدن جدی تر بحث تغییر و بازسازی در هر دو جناح شده است. بنظر شما اولاً چرا این بحث مجدداً مطرح شده، ثانیاً چه تغییراتی ممکن است در جناحها صورت بگیرد؟

منصور حکمت: بنظر من نکته کلیدی پیدایش یک مرکز جدید است. یک آرایش جدید از سران حکومت با درک مشترکی از ملزومات بقاء، مقررات بازی سیاسی و خط های قرمز. در حالیکه از یک طرف سرنگونی طلبی در میان مردم اوج میگیرد و از طرف دیگر جناحهای میلیتانت راست سران دوم خرداد را به کودتاگری و توطئه نظامی متهم میکنند، عده بیشتری از سران رژیم دارند متقاعد میشوند که چاره کار رشد یک درک مشترک مرکز در میان سران اصلی حکومت است که بتواند افراطیون دو جناح را منزوی کند. خاتمی اساساً و ماهیتاً همین است و همین را میخواهد. کروی همینطور. افرادی در جناح راست نیز حرکت به سمت این موضع را شروع کرده اند.

هفتگی: بزودی قرار است خاتمی کابینه اش را تشکیل دهد، درباره ترکیب جناحی کابینه جدید و تناسب آن با سیاست های آتی خاتمی نظرتان چیست؟

منصور حکمت: خاتمی خاتمی است. برنامه زیر و رو کننده ای برای کابینه ندارد. قایق را تکان

نخواهد داد. فکر نمیکنم ترکیب جناحی کابینه با هلهله دوم خردادی ها مواجه بشود.

هفتگی: و بالاخره مردم، با تمام مشکلات و بی حقوقی هایشان، اکنون در مقابل رژیمی هستند که قبل از انتخابات بود. بنظر شما مردم چکار خواهند کرد و چکار باید بکنند، روند اوضاع سیاسی به چه سمتی خواهد رفت، و حزب کمونیست کارگری ایران برنامه اش چیست؟

منصور حکمت: بنظر من مردم سرنگونی میخواهند و سرنگون خواهند کرد. به این بر میگردم. اما بگذارید یک نکته مهم را برای روشن کردن متد و روش برخورد حزب کمونیست کارگری بگویم. شعار های ما، سیاستهای ما، برنامه ما، آرمانهای ما، از هیچ همه پرسی از مردم و جمع بندی آماری از اینکه "مردم چه میخواهند" استنتاج و استخراج نشده. اینها شعارها و آرمانها و سیاستهای ماست. بعنوان بخشی از مردم، بعنوان فعالین یک جنبش سیاسی و اجتماعی معین، بعنوان انسانهای معین. وظیفه کمونیستها و یک حزب کمونیستی اتفاقاً این است که کاری کنند مردم در یک مقیاس وسیع اندیشه و روش و جهان نگری موجودشان را، که تصویری از عقاید و جهان نگری طبقات حاکم بر جامعه است، عوض کنند و به یک آزادیخواهی و برابری طلبی و رهاسازی اجتماعی و سیاسی کمونیستی بگردند. در نتیجه، اینکه مردم در هر مقطع چه میخواهند و چه میگویند، کوچکترین تاثیری بر اینکه "ما چه میگوییم" ندارد. عقاید و سیاستهای ما معدل خواستها و سیاستهای حاکم بر مردم نیست. عقاید ماست. حاصل تاریخ آزادیخواهی و انساندوستی و مبارزه برای رهایی در جامعه جهانی بشری است. حاصل نقد عقاب ماندگی و ارتجاع فکری و سیاسی و اجتماعی است. حاصل تعمق در حقوق و شان آدمی است. بشارت یک دنیای بهتر است. با مردمی رها شده از فقر و بیحقوقی و جهل و خرافه. مدتی است که (بخصوص به همت دوم خردادی ها، چه حقوق بگیر و چه داوطلب، چه تبعیدی و چه داخل کشوری) باب شده است که با بحث

"مردم نمیخواهند" به جنگ آزادیخواهی و چپ بیایند. "مردم سرنگونی نمیخواهند چرا دست بر نمیذارید؟" "مردم ما مذهبی هستند، دست بردارید"، "مردم پای صندوقها رفتند، دست بردارید". "مردم خاتمی را میخواهند، دست بردارید". بعضی تازه-پرفسورهای سفیه اپوزیسیون خاتمی چی حتی تئوری هم میفرمایند که "بورژوازی ایران سرنگونی نمیخواهد و در صدد تبدیل رژیم اسلامی به یک حکومت متعارف است، دست بردارید"، "بانک جهانی میخواهد به ایران وام بدهد، دست بردارید". "گلوبالیزاسیون شده، دست بردارید".

علت اینکها ما دست برنمیذاریم، علت اینکها برای سرنگونی تلاش میکنیم، اینست که ما آزادیخواهیم. فعالین یک جنبش اجتماعی برای آزادی و برابری و رفاه و ارتقاء شان آدمها هستیم. ما حکومتهایی را که حقوق مدنی شهروندان را نفی میکنند بیزر میکشیم، ما حکومتهای مذهبی را بیزر میکشیم، ما رژیمهایی را که بر تبعیض، هرنوع تبعیض، مبتنی هستند بیزر میکشیم. ما حکومتهای ضد زن را سرنگون میکنیم، ما رژیمهایی را که کارگر را به فقر و سکوت و بی تشکیلاتی محکوم کرده اند سرنگون میکنیم. حتی اگر این حکومتها مورد تأیید تمام قربانیانشان باشند. حتی اگر این حکومتها "متعارف"، با ثبات، بدون بحران و صاحب اعتبار در بدون نقد بین المللی پول باشند! در نتیجه نه حمایت توده ای از هیتلر و خمینی و پینوشه جنبش ما را گیج میکند و نه حمایت بین المللی قدرتها از اسرائیل و آفریقای جنوبی دوران آپارتاید. امر ما مبارزه برای آزادی و برابری انسانهاست. هر قدر توده وسیع مردم بیشتر در تمکین به آراء و افکار ارتجاعی حاکم باشند، جنبش ما کوچک تر و خلاف جریان تر خواهد بود و وظایف سنگین تر و دشوار تری خواهد داشت.

اما واقعیات عملی امروز ایران بر حقیقت تاریخسازی تأکید میکند. آری، اگر ما رادیکال باشیم و مردم محافظه کار باشند، کار ما دشوار و پیروزی دور از دسترس است. دهسال قبل اوضاع اینطور بود. اما امروز حزب کمونیست کارگری نوک تیز یک

رادیکالیسم عظیم توده ای در ایران است. علت موفقیت چشمگیر حزب کمونیست کارگری ایران در این سالهای اخیر اینست که مردم، بویژه نسل بعد از ۵۷، بطور روز افزونی به ضرورت بیزر کشیدن رژیم اسلامی و ایجاد یک جامعه آزادتر پی برده اند و حزب کمونیست کارگری را بعنوان پرچمدار این امر عظیم سیاسی و اجتماعی، بعنوان سخنگوی اصلی این آزادیخواهی و میلیتانتی در جامعه برسمیت میشناسند. مردم محروم ایران دارند وسیعاً به موضوع ما میگردند. اکنون ارتجاع خلاف جریان است. و ما نماینده اکثریت مردمیم. پیروزی ممکن و در دسترس است. این جوهر اوضاع سیاسی کنونی ایران است.

بنابراین برنامه ما روشن است. بسیج و سازماندهی کارگران، مردم آزادیخواه، در یک جنبش سیاسی عظیم برای سرنگونی رژیم اسلامی و ایجاد یک جمهوری سوسیالیستی. جمهوری اسلامی از نظر ما و از نظر مردم به انتهای خط خود رسیده و دوام آن میسر نیست. تحولات سیاسی مهمی در راه است. خیلی ساده، جنبش اعتراضی مردم علیه کلیت حکومت گسترش خواهد یافت. سازمانهای چپ و رادیکال و در راس همه حزب کمونیست کارگری در مرکز توجه مردم قرار میگیرند. جمهوری اسلامی به هر قیمت مقاومت خواهد کرد. اما مردم این مقاومت را در هم خواهند شکست. فشار مردم جناحهای حاکمیت را بیشتر به جان هم خواهد انداخت. توافقات دوره ای و تجدید آرایشهای محفلی در بالای حکومت دوام و خاصیت زیادی نخواهد داشت. قطعاً بورژوازی ایران و قدرتهای جهانی تلاش میکنند چه با تعدیل رژیم اسلامی و چه با جایگزینی اش بدون دخالت مردم، ارکان حاکمیت طبقاتی خویش را دست نخورده نگاه دارند. اینکه عملاً چه میشود کاملاً بستگی به درجه نزدیکی سیاسی و عملی مردم با حزب ما دارد. این فرصت تاریخی فراهم شده است که در ایران تحولی سوسیالیستی و رها بیخیش صورت بگیرد. پیروزی ما یکی از حالات ممکن است. اما نیاز به هوشیاری و سخت کوشی بسیار دارد. ■

۲ خرداد و ۱۸ خرداد دو پرده یک نمایش

محسن ابراهیمی ebrahimi1@yahoo.com



در دوم خرداد ۷۶، در دل‌های گردگرفته و نگران سران حکومت اسلامی، نقطه امیدوی جرقه زد؛ شاید واقعا بتوان با راه انداختن حقه اسلامی-آخوندی با اسم رمز "جامعه مدنی اسلامی"، از دست مردم خشمگینی که چشم دیدن اسلاميون حاکم را ندارند رها شد! همچنان، ملی-اسلامیها، کسانی که از طولانی بودن انتظار ورود مجدد به بارگاه حکومت اسلامی کلافه شده بودند، در دوم خرداد، دریچه ای برای باریاب شدن دوباره سراغ گرفتند. و مسخره تر از همه، کاسه لیسان توده ای-اکثریتی باورشان شده بود که انشالله حکومت اسلامی در حال اعتدال است و عنقریب از خوان لغت و لیس اسلامی، لقمه ای، استخوانی هم نصیب اینها خواهد شد! خیلی زود معلوم شد که باتلاق متعفن اسلامی نه راه خروجی برای خود دارد و نه راه ورودی برای اینان. معلوم شد که اینها همه، در حال غرق شدن در این باتلاق، رویای رنگین کمان میدیده اند. همان مردمی که تصور شده بود از سر علاقه، با یکی از خیل شیادان سیاسی حکومت اسلامی، یعنی خاتمی عهد دوستی بسته اند، بسرعت به خیابان باز گشتند. این بار با خشم اعتراضی شان در اشکال مختلف، مردم محروم در اسلامشهر و دزفول و تهران و خلخال شورش کردند؛ جوانان خشمگین در دانشگاه و اطرافش در مقابل اوپاش اسلامی باریگاد بستند؛ کارگران برای در آوردن حقوقشان از جیبهای گشاد سرمایه داران و حکومت اسلامی، جاده های اطراف کارخانه ها را بستند و نرده های مجلس اسلامی را کردند. و ...

بی آنکه فرصت تنفس برای حکومت باقی بماند، ۱۸ خرداد فرا رسید. خامنه ای و خاتمی و کروی و خلخالی در کنار سایر جانورهای اسلامی به خط شدند تا این روز را به خیر بگذرانند. کلمه رمزشان اینبار، "حضور حماسه ساز مردم" بود. اینها، همیشه کلمه رمزشان را از روی نیاز همان دوره انتخاب میکنند. میدانستند و ورد زبانشان بود که ۱۸ خرداد یا "خطر عدم مشارکت عمومی" روبرو خواهد

شد. و درست به همین دلیل قرار گذاشتند حتی اگر هیچ خبری هم نباشد، باید گوش آسمان را با "حماسه پرشکوه حضور مردم" پرکنند. آنقدر باید بگویند که انکارش غیرممکن شود. بدین ترتیب در ۱۸ خرداد، "حماسه جدیدی بر لیست حماسه های خود ساخته اسلامی افزوده شد. ماشین دروغ اسلامی، با اتکا به خبرگزاریهای صد در صد اسلامی و حکومتی بار دیگر اعلام کرد که مردم شهید پرور - علیرغم ۲۳ سال جنایت مداوم حکومت اسلامی - همچنان صحنه را خالی نمیکند و حکومت اسلام میخواهد. مفسلین سیاسی توده ای-اکثریتی، چه در ته دلشان به این دروغ باور بکنند و چه نکنند، از سر و کول هم بالا رفتند و در مقابل اپوزیسیون سرنوگونی طلب، شکلک در آوردند که چشمتان کور که از محبوبیت رئیس جمهور عزیزمان، حجت الاسلام خاتمی کاسته نشده است؛ که مردم، جمهوری اسلامی نوع معتدل میخواهند! (اینها واقعا عقلشان حتی از درک ابتدال خویشتن قاصر است.)

اما، سران حکومت اسلامی هر طور رجز بخوانند، بادمجان دور قاب چپنهایش هر جور خودشیرینی کنند، نخواهند توانست از حقایق سیاسی مهمی که در فاصله ۲ خرداد تا ۱۸ خرداد اتفاق افتاد فرار کنند. حقایقی که در تفاوت میان ۲ خرداد و ۱۸ خرداد خود را نشان دادند. روی این تفاوتها اندکی دقیق شویم:

- در دوم خرداد، خاتمی با دبدبه و کبکبه و بنام مصلحی از درون حکومت، به عنوان "قهرمان حماسه دوم خرداد" به میدان آمد. و راست به عنوان قهرمان حفظ شکل سابق رژیم اسلامی در میدان ظاهر شد. در ۱۸ خرداد، خاتمی با التماس و فشار و استخاره و تردید و گریه روانه محل ثبت نام شد. و راست حتی جرئت نکرد زیر نام کاندیدی امضای رسمی بگذارد.

- در دوم خرداد، برای کشاندن مردم به پای صندوقها،

بخشی از حکومت از جوانان و زنان و حقوق مدنی و تعدیل حکومت اسلامی حرف زدند. فضایی از خیر اسلامی در مقابل شر اسلامی راه انداختند. گاهای حتی از ولایت فقیه انتقاد کردند. در ۱۸ خرداد، جریان اصلی دوم خردادیها بدون اجازه ولی فقیه آب نخوردند و خود ولی فقیه، همراه خدا و پیغمبر و حضرت آدم و امامان، اصلاح طلبان ازلی و ابدی معرفی شدند.

- در دوم خرداد، طیف دوم خردادیها، یک جوری اسلام را در کنار جامعه مدنیشان میگنجاندند. در ۱۸ خرداد، از ترس خالی ماندن صندوقها، کسانی که برای ریاست توحش اسلامی رقابت میکردند، حتی رئیس منفور و تحت تعقیب وزارت اطلاعات ناکزیر شدند خدا و پیغمبر و خمینی و ولی فقیه را زیر عبایشان قایم کنند و از گل و بلبل و دوران فراصنعتی و فرهنگ و جوان و زن حرف بزنند.

- در ۲ خرداد، جبهه دوم خرداد، به عنوان یک جبهه متحد و امیدوار وارد صحنه شد. در ۱۸ خرداد، از این جبهه، یک لشکر شکست خورده، پراکنده و ناامید برجای ماند.

- در دوم خرداد، مردم به صندوقهای همین نظام متوسل شدند تا کل نظام را دو نیمه کنند و از سرشاخ شدن دو جناح حکومت به عنوان پله ای برای پیشروی خود استفاده کنند. در ۱۸ خرداد، نظامی ترک برداشته را با صندوقهای خالی اش به حال خود رها کردند. در دوم خرداد، مردم زیر صندلی یک جناح را گرفتند تا بتواند شاخ به شاخشان کنند. در ۱۸ خرداد صندلیها را از زیر پای هر دو جناح کنار کشیدند.

- در دوم خرداد، یک جناح ادای منتقد جناح حاکم را در آورد. در ۱۸ خرداد، هر دو دیگری را حاکم و خود را جناح منتقد نامید. در ۲ خرداد، دو جناح بر سر تصرف بیشترین تخت در حکومت اسلامی دعوا کردند. در ۱۸ خرداد، یکی با اکراه و تردید و ترس کاندید داد و دیگری حتی از "شر" ریاست جمهوری گذشت. معنای سیاسی این نگرانی چیزی نیست جز

از صفحه ۱

پیروزی در چیت ری

کارگران، چه محلی و چه طبعاً سراسری، در شرایط تعقیب و سرکوب پلیسی مستمر و خشن کمونیستها و رهبران کارگری، متأسفانه این اعتراضات بصورت متحد و سراسری صورت نمیگیرد و از حمایت فعال بخش های دیگر طبقه کارگر برخوردار نشده است. با اینهمه، بدلیل شکل رادیکال و سیاسی این اعتراضات، بدلیل اینکه کارگران مکرراً و در سراسر کشور به خیابان می آیند و دولت را مستقیماً به بازخواست میکشند، مبارزه برای گرفتن حقوق های معوقه اکنون به محمل کشاکش سیاسی کارگران و جمهوری اسلامی تبدیل شده است. پیروزی نسبی کارگران چیت ری دقیقاً با اتکاء به همین نقطه قوت بدست آمد. آنها چند روز بعد از انتخابات مجلس را به باز خواست گرفتند، تهدید کردند که دفعه دیگر جلوی خود "بیت رهبری" جمع خواهند شد، سرحدی زاده را مجبور کردند که به بیرون بیاید و وعده و وعید بدهد، کانون شوراهای اسلامی را مجبور کردند که به دولت هشدار بدهد که "کم توجهی به کارگران زیانهای خاصی برای دولت و جامعه" دارد، بنیاد مستضعفان (مالک سابق چیت ری) را مجبور کردند تا علیرغم قول و قرارها و مصوبات قبلی، هم دستمزدهای معوقه کارگران و هم مسئولیت در قبال سرنوشت کارگران را تقبل کند. اعتراض ۱۷۰۰ کارگر چیت ری در کنتراست شدید با انتخابات اخیر و رجزخوانیهای سران جمهوری اسلامی و مدافعان رنگارنگ این رژیم، به همه روزنامه ها راه یافت، عکس های آن به سراسر جهان مخابره شد و به سمبل اعتراضی تبدیل شد که همه میدانند در قعر جامعه ایران میجوشد و وقتی در تمام قامت خود ظاهر شود، یعنی بصورت طبقاتی و تحت سیاست انقلابی و کمونیستی متحد گردد، نه فقط جمهوری اسلامی که کل سیستمی را که بر بردگی مزدی، بیکاری، فقر، تبعیض و سرکوب استوار است به گور میسپارد. ■

وزارت اطلاعات، وزارت کار و در یک کلام دولت اسلامی) راه دراز و پر زحمتی را طی کردند. بارها و بارها در برابر کارخانه و خیابانهای اطراف آن و سه بار در برابر ساختمان بنیاد اعتراض و راه بندان راه انداختند. هفته گذشته برای مدت دو روز جلوی مجلس را (روز بعد به اتفاق کارگران شادان پور) گرفتند. بارها با پلیس جمهوری اسلامی، با مامورین وزارت اطلاعات، با نمایندگان دولت خاتمی، با مسئولین بنیاد و نمایندگان رهبری درگیر شدند، زدوخورد کردند، جانفشانی کردند، با گرسنگی مقابله کردند، با تفرقه انگیزان مبارزه کردند، در مجمع عمومی اتحاد صفوف خود را تحکیم کردند و برای حرکت بعد نقشه کشیدند و ... تا به اینجا رسیدند. حتی در همین حرکت اخیر، سه شنبه ۲۹ خرداد، وقتی کارگران با در بسته بنیاد روبرو شدند مجبور شدند با گوشمالی دادن "حراست" و تخریب کیوسک ورودی و شکستن در بنیاد وارد ساختمان بشوند و یقه مسئولین بنیاد را بگیرند. یکی از کارگران به خبرنگاری گفت: تجمع در اینجا و کتک خوردن از خانه ماندن و از بچه های گرسنه مان خجالت کشیدن بهتر است.

حرکت کارگران چیت ری تنها یک نمونه برجسته یک جنبش اعتراضی بخش وسیعی از طبقه کارگر علیه تعویق دستمزدها و تهدید بیکارسازی است. در همین دو هفته اخیر، بعنوان نمونه، در تهران کارگران شادان پور، در اصفهان کارگران بارش، در کاشان کارگران ریسندگی و بافندگی، در ساری کارگران تحته سه لایی رجایی، و در رشت کارگران کارخانه جیکا برای گرفتن دستمزدهای معوقه خود در خیابانها و در برابر مراکز دولتی دست به راهپیمایی و تجمع زده اند. در همه جا کارگران با نیروی انتظامی، سرکوب وحشیانه و زندان یا با وعده و وعید و گاه مقادیر ناچیزی بیمه بیکاری و یا پرداختی های علی الحساب پاسخ گرفته اند. در شرایط فقدان تشکل های واقعی و پایدار

اینکه، در دوم خرداد، هنوز جرئت میکردند مسئولیت دربردن لاشه حکومت اسلامی را بر عهده بگیرند. اما در ۱۸ خرداد، جمهوری اسلامی لاشه ای بود که روی دستشان مانده و از به عهده گرفتن مسئولیتش واهمه دارند. دوم خرداد و ۱۸ خرداد، دو

پرده یک نمایش بودند. پرده اول را دوم خردادیها با هیجان و امید بالا بردند. پرده آخر، در اوج یاس و افلاس و سرشکستگی سران حکومت اسلامی فرو افتاد. پرده آخر این نمایش، آغاز رو درروی گسترده مردم با کل حکومت اسلامی است. ■



دستمزدهای معوقه کارگران باید فوراً پرداخت شوند

شهلا دانشفر

خشمگین که ماههاست دستمزدی دریافت نکرده و جان و زندگی خود و خانواده شان را در خطر میبینند، آنهم در متن شرایط پرجنب و جوش سیاسی امروز در ایران آن بمب ساعتی است که هر آن ممکن است منفجر شود و اوضاع سیاسی ایران را رقم زند.

مبارزه برای گرفتن دستمزدهای پرداخت نشده آن عرصه ایست که پتانسیل آن را دارد که به اعتراضات کارگری در ایران ابعادی سراسری دهد، مبارزات کارگران را هر چه بیشتر از سطح کارخانجات به خیابانها بکشد و پشتیبانی دیگر بخشهای کارگری و حمایت مردم را جلب کند.

مبارزات کارگران برای گرفتن دستمزدهای پرداخت نشده در همین سه ماهه اخیر به روشنی پتانسیل و ابعاد گسترده این اعتراضات را نشان میدهد. نمونه های برجسته آن مبارزه کارگران نساجی بارش در اصفهان است. در این حرکت اعتراضی کارگران اعتراض خود را به بیرون از کارخانه کشاندند و در خیابانهای شهر دست به راهپیمایی زدند. همین اتفاق قبلاً نیز توسط کارگران نساجی سیمین اصفهان و شهناز روی داد. نمونه برجسته دیگر آن، سه روز حرکت اعتراضی ۱۷۰۰ کارگر چیت ری و تجمع آنان در مقابل مجلس و در برابر بنیاد مستضعفان بود. کارگران چیت ری در روز دوم حرکت اعتراضی خود با پیمودن مسافتی طولانی به تجمع کارگران کفش شادانپور در مقابل

امروز در ایران نزدیک به چهار سال است که مساله عدم پرداخت دستمزد به کارگران به امری عادی و طبیعی و به یک شیوه معمول کسب سود بیشتر تبدیل شده است. چپاولی آشکار که جان و زندگی صدها هزار کارگر و خانواده کارگری را به بازی گرفته است. ابعاد تراژیک این جنایت باور کردنی نیست و لکه های ننگ آن هیچگاه از پرونده سیاه این رژیم پاک نخواهد شد.

بیش از نیم میلیون کارگر ماهها و بعضاً تا دو سال دستمزدی دریافت نکرده اند.

دستمزدهای پرداخت نشده در کنار گرانی روز افزون کالاها و بیکاری میلیونی و بیکارسازیها زندگی و معیشت کارگران در ایران را به خطر جدی انداخته است.

مساله دستمزدهای معوقه، مساله کل کارگران و کل جامعه است. وجود چنین پدیده ای بر مبارزات کل طبقه کارگر و استانداردهای جامعه تاثیر میگذارد. باید به حمایت از این مبارزات بلند شد. باید به این کمپ مبارزه پیوست.

پرداخت نکردن دستمزدها موج وسیعی از خشم و اعتراض را در میان کارگران دامن زده و مبارزه برای گرفتن دستمزدهای معوقه به یک عرصه دائمی اعتراض و مبارزه در میان کارگران تبدیل شده است. بیش از نیم میلیون کارگر

۱۸ تیر روز اعتراض سراسری است!

هر دو جناح رژیم در سرکوب جنبش آزادیخواهانه مردم متفق القولند. و جوهر تلاش هر کدام ورای سیاستهای جناحی، حفظ و بقای این نظام کثیف و ارتجاعی است. در ۱۸ تیر خاتمی در کنار خامنه‌ای و رفسنجانی، با بکار انداختن ارگانهای متعدد سرکوب اسلامی، بسیج و سپاه و نیروهای انتظامی، یورش همه جانبه‌ای علیه جنبش سرنگونی طلبانه مردم سازمان دادند. ۱۸ تیر در عین حال نشان داد که رژیم اسلامی دیگر راه پس و پیش ندارد. هر تاکتیکی، هر سرکوبی، هر سازشی، به ناسازگاری بیشتر مردم با آن دامن میزند.

مردم آزادیخواه:

رژیم اسلامی اعتراضات مردم در ۱۸ تیر ۷۸ را از سر گذراند. اما ۱۸ تیر ۸۰ میتواند روز اعتراض گسترده‌ای دیگر، نقطه عطفی دیگر، در سرنگونی این رژیم ارتجاعی و سیاه باشد. در ۱۸ تیر ۸۰ به خیابانها بیایید. برای آزادی فوری زندانیان سیاسی، برای آزادی، رفاه و برابری انسانها، برای کوتاه کردن دست مذهب از زندگی، به میدان بیایید. ۱۸ تیر روز اعتراض سراسری ماست!

۱۸ تیر ۷۸ سرآغاز عملی جنبش عظیم مردم برای سرنگونی رژیم اسلامی بود. دو سال پیش در چنین روزی مردم آزادیخواه حکم به رفتن جمهوری اسلامی دادند. خیزش ۶ روزه مردم در ۱۸ تیر پایه‌های رژیم اسلامی را لرزاند و "براندازی" و "ختم نظام" را به مشغله اصلی و کابوس رژیم اسلامی تبدیل کرد. در ۱۸ تیر، مردم، نسلی جدیدی از مردم، نسل جوان، پا به میدان نبرد سرنوشت ساز علیه جمهوری اسلامی گذاشت.

۱۸ تیر همچنین حقایق اساسی و پایه‌ای را در ارتباط با اوضاع و جدالهای سیاسی در جامعه اثبات کرد. در ۱۸ تیر این واقعیت اثبات شد که مردم برخلاف تبلیغات عوامفریبانه خاتمیون و رسانه‌های غربی نه خواهان تعدیل جمهوری اسلامی که خواهان سرنگونی و خلاصی از آن هستند. در ۱۸ تیر اثبات شد که جدال اساسی و تعیین کننده سیاسی در ایران نه کشمکش بین دو جناح بلکه جدالی بین مردم و کلیت رژیم اسلامی است. و این منشاء اختلافات و کشمکشهای جناحی حکومت است. در ۱۸ تیر این واقعیت اثبات شد که

حزب کمونیست کارگری ایران

۳۱ خرداد ۱۳۸۰ - ۲۱ ژوئن ۲۰۰۱

آذر مدرسی رئیس هیات دبیران 0049-172 7823746

اصغر کریمی دبیر کمیته خارج 0044-771 4097928

رحمان حسین زاده-دبیر کمیته کردستان:

0046-739 855 837

هلاله طاهری، مسئول دبیرخانه کمیته کردستان:

0046 73 61 62 211

بهروز مدرسی - دبیر سازمان جوانان کمونیست:

0049172 295 7603

کنگره اول سازمان جوانان کمونیست

۲۷ تا ۲۹ ژوئیه ۲۰۰۱

ورود برای عموم آزاد است

تلفن تماس: ۰۱ ۰۲ ۹۴۴ ۹۴۴ ۰۱۷۴ (۰۰۴۹)

مجلس که آنها نیز خواهان دستمزدهای معوقه شان بودند پیوستند. در این حرکت اعتراضی سرانجام کارگران چیت ری توانستند دولت را وادار به عقب نشینی کنند و با گرفتن قول پرداخت حقوق معوقه خود به اعتراضشان خاتمه دادند.

پیوستن کارگران چیت ری به تجمع کارگران شادانپور اتفاقی است که ممکن است در ابعاد وسیعتری در میان همه کارگرانی که علیه دستمزدهای معوقه خود معترض هستند روی دهد و با کشاندن کارگران خشمگین، کارگرانی که ماههاست دستمزدی دریافت نکرده و به جان آمده اند آتش اعتراضی سراسری علیه دستمزدهای پرداخت شده را برپا کند. این همان نگرانی است که رژیم برای مقابله با آن هنگامیکه کارگران بارش اصفهان در خیابانهای این شهر دست به راهپیمایی زدند، نیروهای انتظامی خود را به جان کارگران انداخت و دهها کارگر زخمی و نزدیک به ۱۰۰ نفر دستگیر شدند. این همان نگرانی است که رژیم را ناچار کرد که در برابر خواست کارگران چیت ری عقب بنشیند و به خواسته‌های آنان گردن نهد. با پیوستن به اجتماعات اعتراضی کارگران برای گرفتن دستمزدهای پرداخت نشده، با پیوستن به صف راهپیمایی و تظاهرات این کارگران، با صدور قطعنامه و حمایت از مبارزات آنان میتوان این مبارزات را تقویت کرد و مبارزه ای سراسری برای گرفتن دستمزدهای معوقه را سازمان داد.

پیشبرد چنین مبارزه ای تنها با اتکاء به مجامع عمومی منظم کارگری و ارتباط میان نمایندگان مجامع عمومی کارگران ممکن و عملی است. ■

سایت های حزب و نهادهای نزدیک به حزب روی اینترنت

www.haftegi.com

www.wpiran.org

www.rowzane.com

www.hambastegi.org

www.jawanan.org

www.iwsolidarity.com

www.medusa2000.com

www.marxsociety.com

www.kvwpiran.org

Bank Account:

Z.I. Konto:

520 5164 008

BLZ: 10090000

Beliner Volksbank

Germany

Website:

www.haftegi.com

Email:

haftegi@yahoo.com

Fax: 0044-8701207768

Address:

BM Box 8927

London

WC1N 3XX

England